



# کرونا

## با نظام تعلیم و تربیت چه کرد؟



فریدالدین حداد عادل

اجتماعی مفقود است؛ مسجدها، فروشگاه‌ها، آموزشگاه‌ها و محیط‌های هنری و فرهنگی، عموماً یا تعطیل‌اند یا کم‌فروغ. دو ضلع دیگر، یعنی رسانه (بخوانید فضای مجازی) و خانواده، اکنون با فشار طاقت‌فرسایی روبه‌رو هستند. خانواده‌ها اکنون باید نقش مدرسه و جامعه را نیز برای فرزندان خود بازی کنند و به همین دلیل تعامل شاگردان و والدین سخت شده است. مسئله خیلی از خانواده‌ها این شده است که بین تحصیل و تربیت، و نظم دقیق فرزندانشان از یک‌سو، و زندگی بدون تنش و اعصاب‌خردی با فرزندشان از سوی دیگر، باید یکی را انتخاب کنند. مریبان و دغدغه‌مندان عرصه تعلیم و تربیت، در دوران کرونا با دو مسئله دیگر هم روبه‌رو هستند:

اجبارهای عصر کرونا به‌گونه‌ای است که ما را به کلی منفعل و بی‌اختیار کرده است! برای حفظ سلامت فرزندانمان مجبوریم ایشان را از حضور در اجتماع و مدرسه محروم کنیم. یک سؤال جدی وجود دارد. آیا خانواده‌ها می‌توانند تمام نقش‌های مثبت مدرسه و جامعه را بر عهده بگیرند؟! امروزه ابعاد تربیتی و نظارتی مدرسه و جامعه کاملاً در معرض تهدید است. خیلی از خانواده‌ها حتی نمی‌توانند برنامه تعامل معمولی روزانه والدین و دانش‌آموزان را سامان دهند. ما چه انتظاری از والدین شاغل داریم که بتوانند به کمک مؤثر عزیزانشان بشتابند! مثال جدی پیش‌روی ما، خانم‌های کارمندی هستند که امروز به‌طور جدی بین کارکردن (که به آن نیازمندند) و تربیت فرزند خود که در خانه ساعت‌ها تنها می‌مانند، مردد هستند.

این مسائل از اصلی‌ترین مسائل تربیتی عصر کروناست، اما همه آن‌ها نیست. اگر به سرعت و دقت، فکری به حال یافتن پاسخ درست برای این مسائل نکنیم، «یک نسل» را از دست داده‌ایم و این شاید بزرگ‌ترین ضربه ویروس منحوس کرونا به نظام بشری است. البته فهم مقوله «از دست دادن» خود یک تحقیق و بررسی جامع را می‌طلبد.

اگر بخواهیم اضلاع عملیاتی و عناصر کلیدی تعلیم و تربیت را برشماریم، در مقوله تربیت و آموزش دانش‌آموزان به چهار محور و عنصر تعیین‌کننده برمی‌خوریم:

جامعه  
والدین  
رسانه  
مدرسه

به‌طور منطقی، شاید مدرسه و رسانه بخش‌هایی از جامعه محسوب شوند و جامعه‌شناسان این تقسیم‌بندی را دقیق ارزیابی نکنند، لیکن مراد از این دسته‌بندی، دستیابی به شناخت مبنایی‌تر از آن چیزهایی است که در موضوع تعلیم و تربیت دانش‌آموز را احاطه می‌کنند و حال و آینده تحصیل و تربیت دانش‌آموزان با آن‌ها ارتباط مستقیم و جدی دارد.

اگر کسی بخواهد درباره یک دانش‌آموز یا فضای عمومی دانش‌آموزان یک مدرسه تحقیق کند، علی‌القاعده باید در این چهار عرصه مطالعه اساسی کند و اگر بخواهیم موارد اثرگذار را برشماریم، شاید چیزی بیرون از این چهار مورد پیدا نکنیم. در دوران کرونا، اتفاق مهم، حذف یا کم‌رنگ شدن دو ضلع مهم، یعنی جامعه و مدرسه است. از یک سو، دانش‌آموزان دیگر به مدرسه نمی‌روند و ما همگی می‌دانیم که مدرسه فقط کلاس درس نیست؛ چه برسد به نوع کلاس‌های مجازی. ارتباطات مستقیم با عناصر انسانی و محیطی مدرسه‌ها تعطیل شده و نقش بسیاری از مدرسه‌ها به برگزاری کلاس مجازی و صدور کارنامه منحصر شده است.

از سوی دیگر، دانش‌آموزان در خانه‌ها ماندگار شده‌اند. بسیاری از ما مریبان و مدیران نمی‌دانیم بچه‌ها در خانه دقیقاً چه می‌کنند، اما می‌دانیم چه نمی‌کنند. اصلی‌ترین اتفاق جدی برای دانش‌آموزان ما، محروم شدن از حضور معنا دار در جامعه است. برای کودک یا نوجوان و جوان امروز، بسیاری از حلقه‌های معنا بخش و اثرآفرین